

# روسیه، آمریکا و مسئله ایران

محمود شوری\*

## چکیده

موضوع روابط ایران و روسیه در دوره پس از فروپاشی شوروی به دلیل حمایت تکنولوژیک و سیاسی روسیه از برنامه هسته‌ای ایران و برخی همکاری‌های نظامی میان دو کشور دل‌مشغولی و مسئله آمریکا و تعدادی از قدرت‌های بزرگ غربی بوده است. طی دوره پس از فروپاشی شوروی، آمریکا در شرایطی موجب تحکیم روابط میان ایران و روسیه شده و گاه نیز مانع برقراری برخی پیوندها میان دو کشور گردیده است. آنچه واضح است اینکه حتی در سخت‌ترین شرایط، افزایش تنش در روابط روسیه و آمریکا الزاماً به تقویت و گسترش روابط ایران و روسیه، به ویژه در زمینه‌های استراتژیک منجر نشده است.

## واژگان کلیدی:

ایران، روسیه، آمریکا، غرب، برنامه هسته‌ای ایران، همکاری‌های نظامی

Email: shoori@csr.ir

تاریخ پذیرش: ۸۸/۰۵/۱۷

\* مدیر گروه مطالعات اوراسیای مرکز تحقیقات استراتژیک

تاریخ ارسال: ۸۸/۰۳/۱۰

فصلنامه راهبرد / سال هجدهم / شماره ۵۱ / تابستان ۱۳۸۸ / صص ۷۲-۵۹

## مقدمه

به رغم پایان جنگ سرد هنوز برای بسیاری از تحلیلگران، نوع رابطه میان روسیه و غرب و مشخصاً روسیه و آمریکا، مهم‌ترین معیار تحلیل شرایط جهانی به شمار می‌آید. به اعتقاد زیگنیو برژینسکی، سیاستمدار کهنه کار آمریکایی، روسیه همچنان در جهان جدید مهم‌ترین تهدید برای آمریکا تلقی می‌شود. (Foreign Policy, 2007) از منظر رهیافت واقع‌گرایانه به روابط بین‌الملل، همچنان روسیه و آمریکا نقش اصلی را در بازی قدرت جهانی ایفا می‌کنند و سایر قدرت‌های در حال ظهور مانند چین در سلسله مراتب توزیع توانمندی‌ها در مراتب بعدی اهمیت قرار دارند.

از سوی دیگر، در دوران پس از فروپاشی شوروی همواره نوع رابطه میان روسیه و کشورهای غربی و به ویژه آمریکا یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد توجه ایران بوده است. برای تصمیم‌گیران و سیاستمداران ایرانی، میزان دوری یا نزدیکی روسیه به غرب در سال‌های گذشته یکی از مهم‌ترین معیارهایی بوده که بر مبنای آن قدرت مانور ایران در عرصه بین‌المللی مورد سنجش قرار می‌گرفته است. به موازات این موضوع در غرب نیز نوع رابطه میان ایران و روسیه و در

روسیه نیز نوع رابطه میان ایران و غرب، با توجه و دقت خاصی تحلیل و ارزیابی می‌شده است. بنابراین پرسش این است که با توجه به مباحث مطرح شده، از یک سو تنش میان ایران و غرب و از سوی دیگر همکاری‌های موجود میان ایران و روسیه، اولاً چه تأثیری بر نوع روابط ایران و روسیه داشته و روس‌ها تا چه اندازه از تنش میان ایران و غرب به نفع خود بهره‌برداری کرده‌اند؟ ثانیاً روسیه چه نقشی در تلطیف و یا احیاناً تشدید تنش میان ایران و غرب داشته است؟

موضوع روابط ایران و روسیه در دوره پس از فروپاشی شوروی نه تنها به دلیل حمایت تکنولوژیک و سیاسی روسیه از برنامه هسته‌ای ایران و برخی همکاری‌های نظامی میان دو کشور دل‌مشغولی و مسئله آمریکا و تعدادی از قدرت‌های بزرگ غربی بوده است، بلکه برای تحلیلگران و پژوهشگران مسائل بین‌المللی نیز ابعاد رابطه میان ایران و روسیه پرسش‌های بی‌پاسخ فراوانی را برانگیخته است.

## ۱- روابط روسیه و غرب؛ همکاری و رقابت

روسیه در آخرین سال ریاست جمهوری ولادیمیر پوتین در مسیری گام گذاشت که احتمالاً برای بسیاری از مخالفان برتری‌طلبی

هشت کشور صنعتی، خود را برای ایفای نقش به عنوان یک قدرت بزرگ نسبت به مسائل مرتبط با امنیت جهانی متعهد می‌داند و از این نظر ناگزیر به برخی همکاری‌ها با سایر اعضای این نهادهای بین‌المللی می‌باشد).

رقابت و رویارویی در برخی حوزه‌های استراتژیک در روابط دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی.

ابعاد این رویارویی تاکنون حداقل در سه حوزه نمود آشکارتری داشته است:

۱. تلاش غرب به ویژه ایالات متحده آمریکا برای قرار دادن خط مقدم مهار و کنترل روسیه در اروپای شرقی و حتی برخی از جمهوری‌های سابق شوروی مانند اوکراین؛

۲. استراتژی ناتو برای تقویت بنیه نظامی و گسترش حوزه عملیاتی خود به حوزه‌های سنتی نفوذ روسیه؛

۳. برنامه ایالات متحده آمریکا برای استقرار سپر دفاع موشکی در اروپای شرقی.

واکنش روسیه به این اقدامات در یک سال اخیر فعالانه و توأم با اقتدار بوده است و

ایالات متحده آمریکا می‌توانست اغوا کننده باشد. تلاش‌های مکرر رهبران روسیه برای یادآوری قدرت نظامی این کشور و هشدار به رهبران آمریکا و اروپا نسبت به نادیده گرفتن توانمندی‌های سیاسی و نظامی روسیه، فضای روابط روسیه و غرب را در یک سال آخر ریاست جمهوری پوتین و نخستین سال ریاست جمهوری مدودف به سمت برخی رویارویی‌ها سوق داد. از سوی دیگر، با انتخاب دیمیتری مدودف به عنوان رئیس جمهور روسیه، به نظر می‌رسد این کشور وارد مرحله تازه‌ای از تاریخ خود شده باشد. به رغم اینکه برخی معتقدند راه پوتین در سال‌های آینده تداوم خواهد یافت و نقش پوتین همچنان در سیاست داخلی و خارجی روسیه برجسته و تعیین کننده خواهد بود، با این حال شرایط آتی این کشور کاملاً شفاف و از پیش تعیین شده نیست.

طی چند سال اخیر روابط روسیه و غرب به طور هم‌زمان متضمن دو فرایند متعارض بوده است:

الف) همکاری در برخی از عرصه‌ها مانند همکاری‌های اقتصادی دوجانبه و در برخی از مسائل مهم بین‌المللی مرتبط با امنیت جهانی (روسیه به عنوان یکی از اعضای دائم شورای امنیت و همچنین یکی از اعضای

به نظر می‌رسد روس‌ها به طور جدی در حال شکل‌دهی و جهت‌دادن به سیاست‌های کلان خود در سطح بین‌المللی و به ویژه در ارتباط با آمریکا می‌باشند. این جهت‌گیری در چارچوب فرایند دوگانه همکاری و رقابت تعریف می‌شود و مسائل مختلف بین‌المللی - و از جمله مسائل مربوط به جمهوری اسلامی ایران - متناسب با تطابق آنها با منافع ملی روسیه، در یکی از این دو قالب قرار می‌گیرد. روسیه هنوز با چالش‌های عمده‌ای در صحنه داخلی خود رو به رو است. هر چند پوتین در دوران زمامداری خود موفق شد تا حدی به اوضاع داخلی روسیه سر و سامان بدهد، اما هنوز کارهای عمده‌ای باید صورت پذیرد که بدون وجود یک محیط باثبات و در سایه تفاهم راهبردی با غرب و به ویژه آمریکا امری بس دشوار است. آنچه در این مقطع برای روسیه مطرح است، ترغیب آمریکا به اقدام در صحنه بین‌المللی بر اساس چندجانبه‌گرایی است. این سیاست طرفداران بسیاری نیز در میان قدرت‌های اروپایی دارد، زیرا قدرت‌های مزبور نیز نگران سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و پیامدهای آن می‌باشند.

از دیدگاه آمریکا، روسیه هر چند در آینده قابل پیش‌بینی دیگر خطری به شمار

نمی‌رود، ولی این بدان معنی نیست که تهدیدی از سوی آن کشور به علت ضعفی که دچار آن می‌باشد، متوجه آمریکا نشود. این تهدیدات را به طور عمده ناشی از اشاعه سلاح‌های انهدام جمعی دانسته‌اند و با افزایش خطر حملات تروریستی و احتمال استفاده از سلاح‌های مزبور بر حساسیت‌های آمریکا افزوده شده است. در این مورد فشارهای آمریکا بر روسیه برای قطع همکاری‌های تسلیحاتی با ایران تاکنون چندان مؤثر نبوده است، اما این مسئله الزاماً به معنای تداوم این وضعیت نیست. به هر حال نمی‌توان آثار عمیق آن را بر روابط ایران و روسیه از نظر دور داشت.

به طور کلی، در خصوص آینده روابط روسیه و غرب چند موضوع باید مورد توجه قرار گیرد:

۱. روسیه هویت خود را متمایز از غرب - و نه الزاماً در مقابل غرب - تعریف می‌کند و به همین دلیل روسیه هیچ‌گاه به یک کشور غربی و یا یک کشور کاملاً همسو با غرب تبدیل نخواهد شد. در حقیقت روسیه خود را کشوری اروپایی و نه غربی می‌داند.

دولت‌های قدرتمند اروپایی نظیر آلمان، ایتالیا و فرانسه موجب افزایش مانور و گسترش عرصه اقدام این کشور میان ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا شده است.

## ۲- ایران، روسیه و غرب؛ بازنگری تاریخی

یک پرسش مهم برای بسیاری از سیاستمداران، تحلیلگران و حتی مردم عادی این است که ایران و روسیه تا چه اندازه به دلیل نیازها و ارزش‌های ذاتی خود (ارزش‌های اقتصادی، ژئوپلیتیک، سیاسی و فرهنگی) برای طرف مقابل حائز اهمیت هستند و تا چه اندازه به دلیل نقش‌آفرینی و تأثیر عامل غرب برای یکدیگر مهم شده‌اند. اگر چه نمی‌توان گفت بازی ایران در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی به نوع رابطه میان روسیه و غرب بستگی دارد، اما نوع روابط روسیه و غرب بر نوع بازی ایران در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیرات جدی و مهمی داشته و خواهد داشت. نمی‌توان کتمان کرد که ایران بخشی از بازی و رفتار خود را در چارچوب اختلافات روسیه و غرب تعریف می‌کند.

به لحاظ تاریخی نیز تقریباً از نخستین دهه‌های آغاز روابط ایران و روسیه، بخش

۲. برای روسیه بنا به دلایل تاریخی، فرهنگی و ژئوپلیتیک، قدرت بر ثروت اولویت دارد. به عبارت دیگر، برای روسیه به رغم اهمیت جدی بهبود شرایط اقتصادی، تثبیت جایگاه این کشور به عنوان یک قدرت بزرگ و تعیین‌کننده جهانی از اهمیت بیشتری برخوردار است. مانع‌تراشی غرب در این زمینه از طریق اقداماتی مانند گسترش ناتو به شرق و سپر دفاع موشکی تا کنون مهم‌ترین عامل افزایش تنش میان روسیه و غرب بوده است.

۳. در شرایط جدید جهانی، گسترش و تعمیق پیوندهای اقتصادی میان روسیه و غرب از افزایش تنش‌ها بین دو طرف جلوگیری می‌کند. روابط روسیه و غرب به ویژه ایالات متحده آمریکا، به رغم برخی اختلاف نظرها و تنش‌های به وجود آمده، به سطح تقابل و دوران جنگ سرد باز نخواهد گشت و همواره راهبرد همکاری و رقابت در روابط روسیه و غرب حاکم خواهد بود.

۴. اقدام روسیه در برقراری روابط دوجانبه اقتصادی با برخی

این و نه آن، از نفوذ و قدرت روسیه در برابر قدرت استعماری دیگر یعنی انگلیس بهره ببرند.

در آغاز دوره قاجار، بروز جنگ‌های متعدد میان ایران و روسیه که در نهایت به انعقاد عهدنامه‌های گلستان و ترکمن‌چای انجامید، مهم‌ترین خاطره تلخ تاریخی ایرانیان از روس‌ها را رقم زد. در نتیجه این جنگ‌ها، اگر چه بخشی از سرزمین ایران از حاکمیت ایران خارج شد، اما استراتژی کلان روس‌ها در اشغال قفقاز، عمدتاً کسب برتری در تقابلات استراتژیک خود با قدرت‌های اروپایی بود.

این مسئله حاکی از آن است که روس‌ها حتی هنگامی که با ایران می‌جنگیدند، توجه اندکی به ایران داشته‌اند و تصرف سرزمین‌های ایران بیشتر مبتنی بر اهداف استراتژیک روسیه در اروپا بود. به عبارت دیگر، روس‌ها سرزمین‌های ایران را الزاماً به دلیل کشورگشایی و یا دشمنی و رقابت با ایران اشغال نمی‌کردند، بلکه اهداف اصلی روسیه از این اشغالگری‌ها تقویت موقعیت استراتژیک این کشور در رقابت با رقبای اروپایی بود. علاوه بر این، دلایل تاریخی متعدد دیگری نیز وجود دارد که نشان می‌دهد گزاره محوری در سیاست

مهمی از دلایل رابطه میان دو کشور وجود عامل سومی بوده است که به علل مختلف، تهدید و یا تصویری از تهدید مشترک را برای دو طرف ایجاد کرده است. در دوره محمد شاه صفوی (۱۵۷۶-۱۵۸۷م) کمتر از چند دهه پس از آغاز شکل‌گیری نخستین ارتباطات رسمی میان ایران و روسیه، پس از یک دوره جنگ‌های خونین میان ایران و عثمانی و اشغال مناطق تحت حاکمیت ایران در منطقه قفقاز توسط عثمانی‌ها و پیشروی آنها تا سرحدات روسیه، احساس تهدید مشترک میان ایران و روسیه، زمینه را برای شکل‌گیری تعاملاتی که بعدها نیز در روابط دو کشور تکرار گردید، فراهم ساخت.

پس از فروپاشی سلسله صفویه در ایران و بروز بی‌ثباتی و اختلافات داخلی گسترده در دوره‌های افشاریه و زندیه و هم‌زمان با آن، افزایش قدرت روسیه در دوره پتر و کاترین کبیر، توازن قدرت میان دو کشور دچار تغییر شد و روس‌ها توانستند در سراسر دوره قاجاریه از ضعف خاندان قاجاری بهره‌برداری کرده و نفوذ بی‌حد و مرزی را در مسائل داخلی ایران اعمال کنند. در این دوران، پادشاهان قاجار در شرایط مختلف تلاش کردند تا با بهره‌گیری از استراتژی موازنه مثبت (هم این و هم آن) یا منفی (نه

مثبت سراسر دوران قاجار و حتی پهلوی اول، گفتمان مسلط در سیاست خارجی ایران را تشکیل می‌داد. در خلال سال‌های پس از جنگ جهانی دوم تا هنگام پیروزی انقلاب اسلامی در ایران نیز روابط ایران و شوروی در چارچوب گفتمان جنگ سرد میان آمریکا و شوروی تعریف و تبیین می‌شد.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ نقطه آغاز تحول کیفی در شرایط سیاسی روابط ایران و روسیه به شمار می‌آید. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران موجب شد که ایران برای نخستین بار در تاریخ روابط خود با روسیه از موضعی مستقل و فارغ از تأثیرات و فشارهای سایر قدرت‌های بزرگ با این کشور برخورد نماید. با این حال، در سراسر سال‌های پس از فروپاشی شوروی، سایه فشارهای آمریکا و سایر متحدان غربی‌اش، بر رابطه ایران و روسیه همچنان سنگینی کرده است.

### ۳- فرضیه‌های مناسبات ایران، روسیه و آمریکا

طی دوره پس از فروپاشی شوروی، آمریکا در شرایطی موجب تحکیم روابط میان ایران و روسیه و گاه نیز مانع برقراری برخی پیوندها میان دو کشور گردیده است. آنچه

خارجی روسیه در قبال ایران در قرن نوزدهم نه «دستیابی به آب‌های گرم» بلکه «رقابت با انگلستان» بوده است.

وقوع انقلاب کمونیستی در روسیه در سال ۱۹۱۷، در آغاز تا حدودی موجب بروز برخی تغییرات در سیاست‌های روسیه در قبال ایران گردید، اما تغییری در نگاه استراتژیک روسیه نسبت به ایران ایجاد نکرد. گفتمان سیاست خارجی دولت انقلابی در خصوص ایران به رغم تمامی تفاوت‌های بنیادین که با سیاست خارجی دولت تزاری داشت، در یک موضوع با هم مشترک بودند، برای هر دو دولت نوع روابط با ایران در چارچوب سیاست اروپایی روسیه تعریف و تنظیم می‌شد. به عبارت دیگر مقوله ایران از آن جهت که به طور مستقیم بر روابط روسیه با سایر قدرت‌های بزرگ تأثیرگذار بود، مورد توجه قرار می‌گرفت.

در ایران نیز به طور متقابل، طی هر دو دوره پیش از انقلاب روسیه و دوره پس از آن، تلاش‌های عمدتاً نافرجام برای برقراری توازن میان سطح مداخله‌گری قدرت‌های بزرگ و کوشش برای تعدیل رفتار این قدرت‌ها از طریق امتیازدهی به قدرت دیگر، تنها ابزار دولتمردان ایران برای گذار از شرایط بحرانی بوده است. استراتژی موازنه

فهرستی از شرکت‌های روسی را که متهم به انتقال فناوری‌های هسته‌ای به کشورهای (به اصطلاح آمریکایی‌ها) یاغی بودند، منتشر ساخت. در سال بعد نیز آمریکا ده شرکت دیگر روسی را که متهم به فروش فناوری‌های حساس به ایران بودند، تحریم کرد. (CACI Analyst, 2002) در سال ۲۰۰۲ نیز سه شرکت دیگر روسی تحت همین عنوان مورد تحریم قرار گرفتند. (CACI Analyst, 2002) در سال ۲۰۰۳، موسسه طراحی تولد<sup>۱</sup> در روسیه بنا به دلایل مشابه تحریم شد. (Chinadaily 2003) در سال ۲۰۰۸، تحریم شرکت روسی روس بارون اکسپورت<sup>۲</sup> توسط آمریکا، با انتقادات شدید روسیه مواجه شد. (Russia Today, 2008) تمامی این موارد تأییدی بر این مدعاست که در سال‌های گذشته غرب یکی از مهم‌ترین موانع توسعه همکاری‌های ایران و روسیه بوده است.

### ۳-۲- آمریکا معضل مشترک ایران و روسیه است

حداقل در دو زمینه ایران و روسیه به آمریکا به عنوان یک معضل مشترک می‌نگرند. نخست اینکه ایران و روسیه از تداوم موقعیت هژمونیک آمریکا در سطح

واضح است اینکه حتی در سخت‌ترین شرایط، افزایش تنش در روابط روسیه و آمریکا الزاماً به تقویت و گسترش روابط ایران و روسیه، به ویژه در زمینه‌های استراتژیک منجر نشده است. در شرایط جدید، به نظر می‌رسد که مجموعه متنوعی از علایق و منافع مشترک و همچنین علایق و منافع متعارض، ایران، روسیه و آمریکا را به یکدیگر پیوند می‌زند. نتیجه این تعاملات را می‌توان در گزاره‌های زیر خلاصه کرد. این گزاره‌ها اگر چه در برخی موارد متناقض هستند، اما مجموعه دیدگاه‌های مختلف را در مورد مثلث ایران روسیه و آمریکا مفهوم‌بندی می‌کنند.

### ۳-۱- آمریکا معضلی در روابط ایران و روسیه است

تحریم‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران و فشارهایی که این کشور بر روسیه وارد می‌سازد، موجب شده است که بخشی از ظرفیت بالقوه همکاری‌های تکنولوژیک و تسلیحات دو کشور معطل باقی بماند. حداقل در چندین نوبت مقام‌های آمریکایی برخی از شرکت‌ها و موسسات روسی را که با ایران همکاری‌های تکنولوژیک و تجاری داشتند، مورد تحریم قرار دادند. در سال ۱۹۹۸ وزارت امور خارجه آمریکا

1. Tula Design Bureau of Instrument Building  
2. Rosbaron export

هسته‌ای ایران و روسیه در سال‌های اخیر به موضوعی برای چانه‌زنی آمریکا و روسیه تبدیل شده است. روس‌ها از طریق مقاومت در برابر تقاضای قطع همکاری هسته‌ای با ایران از سوی آمریکا، تلاش می‌کنند تا در وهله نخست خود را در گردونه معادلات جهانی حفظ کنند و در وهله بعد، در شرایط مقتضی امتیازاتی از آمریکا اخذ کنند. حشمت الله فلاحت‌پیشه، نماینده و عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی، معتقد است که روس‌ها بیشتر به دنبال این هستند که با برگه ایران از آمریکایی‌ها در موضوعاتی مانند گرجستان و مشکلات قفقاز و مواردی از این دست که مقدمات به راه افتادن جنگ سرد دیگری است، امتیاز بگیرند. به گفته وی، بر اساس یک نظر سنجی صورت گرفته بیش از ۹۶ درصد از مردم کشورمان روسیه را شریک قابل اعتمادی در سیاست خارجی و همکاری‌های اقتصادی نمی‌دانند. این موضوع یک علت تاریخی دارد و نگاه روس‌ها به ایران راهبردی نبوده و آنها تنها به منافع خاص خود توجه می‌کردند. اگر آنها به ایران توجه می‌کنند، تنها برای تأمین منافع کوتاه مدت خودشان است و نگاه روس‌ها به ایران خاکریزگونه است تا در پشت آن پنهان شوند و احتمالاً ایران را سپر خود کنند. به گفته وی روسیه فقط می‌خواهد خاکریز ایران

جهانی نگران هستند و دوم اینکه هر دو کشور نسبت به نفوذ آمریکا در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز نظر مساعدی ندارند. روس‌ها اگر چه در حال حاضر منافی را در ایفای نقش هژمونیک توسط آمریکا برای خود متصور می‌بینند، اما این مسئله به معنای آن نیست که روسیه نسبت به تداوم این نقش رضایت داشته باشد. به طور مشخص، یکی از اهداف مهم همکاری‌های ایران و روسیه در حوزه آسیای مرکزی و دریای خزر، مقابله با سیاست‌هایی است که آمریکا و متحدان این کشور در این مناطق دنبال می‌کنند. به ادعای اوکسانا آنتوننکو، همکاری نظامی ایران و روسیه که با روابط نزدیک دوجانبه تقویت می‌شود، به دلیل منافع استراتژیک مشترک در مهار نفوذ آمریکا و ترکیه در منطقه دریای خزر به سطح اتحاد استراتژیک ارتقا پیدا کرده است. (Antonenko, 2001)

### ۳-۳- ایران موضوع چانه‌زنی و معامله روسیه و آمریکا است

یک فرضیه عمده به ویژه در میان افکار عمومی و تحلیلگران ایرانی این است که روسیه در تعامل و تقابل خود با آمریکا به ایران نگاه ابزاری دارد و روسیه از تنش موجود میان ایران و غرب به نفع خود بهره‌برداری می‌کند. موضوع همکاری‌های

فرونپاشد. آنها اعتقاد دارند که اگر ایرانی وجود نداشته باشد، بخش عمده‌ای از

انگیزه‌های دشمنی آمریکا متوجه روسیه خواهد شد. (خبرگزاری فارس، ۱۳۸۷) فرض متقابل در این چارچوب این است که نوع روابط روسیه و غرب بر موقعیت ایران تأثیر خواهد داشت و به همین دلیل به اعتقاد برخی تحلیلگران، ایران به دلیل اختلاف با غرب به روسیه امتیاز می‌دهد. به عبارت دیگر، مخالفت‌های غرب با ایران موجب افزایش توجه ایران به روسیه شده است.

### ۳-۴- ایران موضوع مشاجره آمریکا و روسیه است

روس‌ها معتقدند و یا حداقل این گونه بیان می‌کنند که به دلیل نوع روابطی که با ایران دارند، فشارهای زیادی را متحمل شده‌اند. روس‌ها معتقدند بخشی از فشارهای آمریکا برای قطع همکاری هسته‌ای با ایران با هدف خارج کردن روسیه از بازار ایران می‌باشد. به اعتقاد بسیاری از تحلیلگران، همکاری‌های نظامی و هسته‌ای روسیه با ایران به منبعی از نگرانی‌های دائمی و تنش در روابط روسیه با آمریکا و اسرائیل تبدیل شده است. (Antonenko, 2001) از دیدگاه غربی‌ها نیز روسیه یکی از دلایل ناکامی غرب

در حل و فصل مسئله ایران و در واقع مهم‌ترین مانع در این زمینه می‌باشد.

### ۳-۵- روسیه موضوع بازی ایران و آمریکا است

از دیدگاه برخی از تحلیلگران روسی، ایران به روسیه به عنوان یک کارت بازی در برابر آمریکا نگاه می‌کند و به همین دلیل، نگاه ایران به روسیه استراتژیک نیست و هرگاه موقعیت اقتضاء کند، ایران به روسیه بی‌توجه خواهد شد. ایران به دنبال آن است که از اختلافات روسیه و غرب به نفع خود بهره‌برداری کند و نوع روابط روسیه و غرب عامل تعیین‌کننده در سیاست خارجی ایران است.

### ۳-۶- ایران معضل مشترک آمریکا و روسیه است

از دیدگاه‌های دیگر، ایران به دلیل الهام‌بخشی برای مسلمانان منطقه و آنچه که افراط‌گرایی مذهبی خوانده می‌شود، می‌تواند معضل مشترکی برای آمریکا و روسیه باشد. همچنین در زمینه موضوع دستیابی احتمالی ایران به سلاح‌های هسته‌ای، هر دو کشور با توجه به جایگاهی که در سطح بین‌المللی دارند، دارای نگرانی‌های مشترکی هستند.

گرجستان، نیروهای خود را به بهانه حمایت از نیروهای تحت پوشش سازمان ملل در اوستیای جنوبی تا نزدیکی‌های تفلیس به پیش برد، بسیاری از ناظران نگران این موضوع بودند که روسیه و آمریکا بار دیگر در فضایی از تقابل و رویارویی قرار بگیرند. واکنش‌های اولیه در غرب به این اقدام روسیه همان گونه که انتظار می‌رفت پر سر و صدا اما کم‌محتوا بود. هیچ کس در غرب علاقه‌ای نداشت که به دلیل آنچه که در گرجستان گذشته بود، دوباره بخشی از انرژی و توان عملیاتی غرب صرف رویارویی بی‌حاصل با روسیه شود. به همین دلیل، وعده خانم رایس، وزیر امور خارجه وقت آمریکا، در مورد مجازات روسیه به سرعت به فراموشی سپرده شد. به قدرت رسیدن اوباما در آمریکا نیز تا حدود زیادی شرایط را برای بروز برخی تغییرات در روابط روسیه و آمریکا فراهم ساخت، اما پرسش‌های مهم این است که محدوده این تغییر تا کجاست؟ آیا گسترش همکاری‌های احتمالی میان آمریکا و روسیه می‌تواند تأثیرات قابل توجهی بر نوع روابط ایران و روسیه به جا بگذارد؟

گفتگو میان آمریکا و روسیه هیچ‌گاه امر ساده‌ای نبوده و در یک دهه اخیر نیز موقعیت‌های مختلف بین‌المللی و شرایط منطقه‌ای و جهانی نقش تعیین‌کننده‌ای در

#### ۴- پیامدهای تغییر در روابط آمریکا و روسیه برای جمهوری اسلامی ایران

فراز و نشیب‌های موجود در روابط روسیه و آمریکا به ویژه در یک سال نخست ریاست جمهوری مدودف، بسیاری از تحلیلگران را به سمت این پرسش سوق داده است که آیا بهبود رابطه روسیه با آمریکا می‌تواند موجب بروز چالش‌هایی برای جمهوری اسلامی ایران بشود یا نه؟ اگرچه نزدیک به دو دهه پس از پایان جنگ سرد هیچ چشم‌اندازی برای بروز تغییرات ماهوی در روابط روسیه و آمریکا، که بعد از بحران گرجستان در سال ۲۰۰۸ به وخیم‌ترین وضعیت خود پس از جنگ سرد رسیده بود، مشاهده نمی‌شود، اما با توجه به شرایط متغیر بین‌المللی و به ویژه بحران اقتصادی جهان، نمی‌توان امکان هرگونه تغییرات احتمالی در روند مناسبات میان آمریکا و روسیه را نادیده گرفت.

یک سال پس از بحران گرجستان، آمریکا و روسیه در حال رسیدن به این نتیجه هستند که تداوم اختلافات نمی‌تواند برای آنها نفعی در پی داشته باشد. پس از آنکه در هشتم اوت ۲۰۰۸ روسیه بدون هرگونه نگرانی از واکنش‌های احتمالی حامیان غربی

اینکه در هر صورت رهبران در ایجاد تغییرات تاکتیکی و نحوه رسیدن به تفاهمات استراتژیک نقش عمده‌ای بر عهده دارند و می‌توانند در طرح موضوعات یا دستیابی به توافقات تأخیر ایجاد کرده و یا آنها را تسریع نمایند. دوم اینکه در تعریف فضای روابط آمریکا و روسیه هر دو کشور موقعیت یکسانی ندارند و آمریکایی‌ها از موقعیت برتری در فضا سازی، ایجاد یا اهمیت بخشیدن به مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای برخوردار هستند.

پس از تجربه ناموفق بوش در دست زدن به ماجراجویی‌های بی‌ثمر در سیاست خارجی آمریکا، اوباما تلاش کرد تا انرژی و توان سیاست خارجی این کشور را در برخی موضوعات مهم‌تر صرف کند. به همین دلیل، با توجه به تمرکز سیاست خارجی اوباما بر ریشه‌کنی موضوع تروریسم در افغانستان و پاکستان، دستگاه سیاست خارجی آمریکا چاره‌ای جز تعامل با برخی کشورهای مؤثر در این فرایند، که مهم‌ترین آنها روسیه و ایران هستند، نداشت. روسیه هم از جهت سلبی و هم از جهت ایجابی برای سیاست اوباما در افغانستان حائز اهمیت است. توانمندی‌ها و ظرفیت‌های روسیه هم می‌تواند موانع مهمی را برای اقدامات آمریکا در افغانستان ایجاد

شکل‌دهی به این گفتگوها داشته است. به عبارت دیگر، بیش از آنکه مسائل دوجانبه - اختلاف نظرها، رقابت‌ها و غیره - همانند دوران اتحاد جماهیر شوروی، تعیین‌کننده ماهیت روابط آمریکا و روسیه باشد، در وضعیت فعلی، مسائل جهانی و منطقه‌ای بر چگونگی و سطح روابط دو کشور تأثیرگذار هستند. برخوردهای متفاوت آمریکا و روسیه در مسائلی مانند مبارزه با تروریسم، عراق، گسترش ناتو به شرق، پرونده هسته‌ای ایران و بسیاری از مسائل دیگر حاکی از آن است که در سیاست خارجی روسیه هیچ اصلی که روس‌ها را ملزم و متعهد به پیگیری یک خط سیر مشخص در روابط خود با ایالات متحده آمریکا بنماید، جز اصل پیگیری منافع (که در هر مورد به طور جداگانه تعریف می‌شود) وجود ندارد. در واقع، این شرایط و مسائل (و نوع منافع دو طرف در آنها) هستند که نقش اصلی را در دوری یا نزدیکی آمریکا و روسیه به یکدیگر ایفا می‌کنند و نه اصول و ارزش‌های از پیش تعیین شده. بنابراین، قاعدتاً در شرایط موجود تغییر رهبران در دو کشور، تغییرات استراتژیک در فضای روابط دو کشور ایجاد نخواهد کرد، اما در این رابطه دو موضوع باید مورد توجه قرار گیرد: اول

اجلاس امنیتی مونیخ در خصوص ضرورت آغاز مجدد روابط روسیه و آمریکا (Biden, 2009) در حقیقت از این نیازهای آمریکا نشئت می‌گیرد. با این حال، آمریکا در مسیر دستیابی به این اهداف با چند مشکل و مانع اساسی مواجه است:

اول، آمریکا نمی‌تواند از طرح‌های جاه‌طلبانه خود به ویژه موضوع گسترش ناتو به شرق به طور کامل چشم‌پوشی کند و این مسئله همچنان در آینده به عنوان یک مانع جدی در روابط روسیه و آمریکا باقی خواهد ماند. همان گونه که کنت والتز نیز تأکید کرده، توسعه ناتو از منطقی برخوردار است که چندان از طریق روندهای همکاری‌جویانه قابل مهار نیست. صنایع تسلیحاتی آمریکا که در صدد تصاحب سهمی از بازار اعضای جدید ناتو هستند، به شدت در لابی‌های خود به نفع این توسعه فعالیت دارند (Waltz, 2000, p.22). روس‌ها هم به خوبی می‌دانند که غزل دوستی خواندن آمریکایی‌ها ممکن است چندان دوام زیادی نداشته باشد. تمایل به ارتقای دائمی برتری استراتژیک آمریکا موضوعی نیست که با تغییر نام‌ها در کاخ سفید کاملاً به فراموشی سپرده شود. به همین دلیل بعید است روس‌ها به سرعت دل به این تغییرات ببازند.

کند و هم کمک قابل توجهی برای پیشبرد اهداف آمریکا در منطقه باشد. بنابراین چنانچه دولت جدید آمریکا بخواهد دستاورد قابل قبولی در افغانستان داشته باشد، باید بتواند فضای تنش‌آلود موجود با روسیه را تا حد امکان تغییر دهد.

علاوه بر این، مسئله ایران نیز مسئله دیگری بود که دولت اوباما امیدوار به حل و فصل آن در سایه برقراری روابط نزدیک با روسیه بود. با تلاش برای بهبود روابط با روسیه، آمریکایی‌ها امیدوار بودند حداقل در دو زمینه بر نوع رابطه روسیه و ایران تأثیر بگذارند: اول در زمینه موضوع هسته‌ای ایران و دوم در زمینه همکاری‌های نظامی ایران و روسیه. در زمینه هسته‌ای، آمریکا از یک سو به دنبال کاهش همکاری‌های فنی ایران و روسیه است، و از سوی دیگر خواهان آن است که روس‌ها همکاری بیشتری برای اعمال تحریم‌های جدیدتر علیه ایران داشته باشند. اما در زمینه همکاری‌های نظامی ایران و روسیه، آمریکا خواهان متوقف شدن هرگونه ارسال سلاح و تجهیزات نظامی به ایران و احیاناً احیای مجدد قرارداد گور-چرنومردین است. طرح موضوع احتمال معلق ساختن طرح سپر دفاع موشکی از سوی اوباما و به دنبال آن اظهارات جوزف بایدن در

همکاری‌ها در اختیار ایران قرار داده‌اند، مطمئناً ایران صدمه‌ای استراتژیک را متحمل نخواهد شد. تجربه ماهواره و ماهواره‌بر سفیر امید نشان داد که ایران از این توانمندی برخوردار است که در صورت اضطرار نیازهای تکنولوژیک خود را برطرف سازد.

علاوه بر این، در صورتی که روس‌ها در معامله با آمریکا به تخریب روابط دوستانه موجود با ایران بپردازند، این امر چیزی جز از بین رفتن همدلی‌ها و همسویی‌های کنونی میان ایران و روسیه در زمینه‌های مختلف از جمله مسائل دریای خزر، آسیای مرکزی و قفقاز برای روس‌ها به همراه نخواهد داشت.

### فرجام

به لحاظ تاریخی، معادله روابط ایران و روسیه در دو قرن گذشته بیش از آنکه دووجهی باشد، سه‌وجهی بوده است. بررسی روابط ایران و روسیه، طی این سال‌ها، بدون در نظر گرفتن نقش غرب قابل مطالعه نیست. حیثه تأثیرگذاری غرب، در این سال‌ها، هم بر رفتارهای ایران و هم بر رفتارهای روسیه به صورت سلبی یا ایجابی رو به گسترش بوده است. در ایران حداقل در دوره پس از فروپاشی شوروی این تصور وجود داشته است که هر میزان تقابل و رویارویی روسیه و غرب افزایش پیدا کند، فضای مانور جمهوری

دوم، بهایی که آمریکایی‌ها می‌خواهند برای جلب همکاری روسیه در افغانستان و ایران بپردازند، آنقدر قابل توجه نیست که روسیه را متقاعد به واگذاری تمامی کارت‌های بازی خود کند که تعداد آنها زیاد هم نیست. در حال حاضر، روس‌ها با اعمال نفوذ در خصوص بسته شدن پایگاه هوایی مناس قرقیزستان، بهای همکاری خود در افغانستان را افزایش داده‌اند و به نظر می‌رسد که روس‌ها هم می‌خواهند در این آشفته بازار سود بیشتری را برای خود کسب کنند و نه آنکه تمامی دارایی‌های خود را به حراج بگذارند.

سوم اینکه روس‌ها به خوبی می‌دانند چنانچه بخواهند بر سر موضوع ایران معامله‌ای با آمریکا داشته باشند، این معامله نه تنها موجب تغییری در رفتار ایران نخواهد شد، بلکه ایران را به سمت اتکای بیشتر به توانمندی‌ها و منابع داخلی - و در نتیجه کاهش زمینه‌های بازیگری احتمالی روسیه - سوق خواهد داد. در زمینه تجهیزات پیشرفته نظامی نیز واقعیت این است که حتی در صورتی که از امروز روس‌ها تصمیم به قطع همکاری‌های خود با ایران بگیرند، با توجه به پیشرفت‌های فنی ایران و همین‌طور سطح تجهیزاتی که روس‌ها در جریان این

## منابع

۱. خبرگزاری فارس، مصاحبه با حشمت‌اله فلاحت‌پیشه، ۱۴ مهر ۱۳۸۷.
2. Antonenko, Oksana (March 2001), "Russia's Military Involvement in the Middle East", *Meria Journal*, Volume 5, No. 1.
3. Biden, Joseph R, Speech at the 45th Munich Security Conference. Cited in [www.securityconference.de/konferenzen/2009/](http://www.securityconference.de/konferenzen/2009/)
4. *CACI Analyst* (09/13/2002) "U.S. Sanctions Russian Firms for Alleged Ties with Terrorism", Cited in [www.cacianalyst.org](http://www.cacianalyst.org).
5. *Foreign Policy Magazine* (October 2007), "Seven Questions: A Conversation with Zbigniew Brezinski", [www.foreignpolicy.com](http://www.foreignpolicy.com)
6. Kenneth, Waltz (Summer 2000), "Structural Realism after the Cold War", *International Security*, Vol. 25, No. 1.
7. U.S. Piling Up Illegal Sanctions Against Russia, *Russia Today*, [www.russiatoday.ru/Top\\_News/2008-10-24/](http://www.russiatoday.ru/Top_News/2008-10-24/)
8. US sanctions Russian firm for selling arms to Iran, *China Daily*, [www.chinadaily.com.cn/en/doc/2003-09/17](http://www.chinadaily.com.cn/en/doc/2003-09/17).

اسلامی ایران در سطح بین‌المللی نیز افزایش می‌یابد. با این حال، تحولات سال‌های اخیر در روابط روسیه و غرب از یک سو و روابط ایران و روسیه از سوی دیگر، به گونه‌ای نبوده است که این فرضیه را کاملاً مورد تأیید قرار دهد. طی سال‌های پس از فروپاشی شوروی، آمریکا در شرایطی موجب تحکیم روابط میان ایران و روسیه و گاه نیز مانع برقراری برخی پیوندها میان دو کشور شده است، اما افزایش تنش در روابط روسیه و آمریکا در برخی از برهه‌های تاریخی الزاماً به تقویت روابط ایران و روسیه منجر نشده است. از این وضعیت می‌توان نتیجه گرفت که اگرچه روابط روسیه با آمریکا (از یک سو) و رابطه روسیه با ایران (از سوی دیگر) تأثیرات اجتناب‌ناپذیری بر یکدیگر دارند، اما هریک از این دو روند به طور مستقل برای روسیه الزامات و ضرورت‌هایی را ایجاد می‌کنند که علی‌القاعده روس‌ها بر مبنای منافع ملی خود به اولویت‌بندی آنها می‌پردازند.